

پژوهشی در خوانش شاخه‌های آمیختگی در فضای فردی - جمعی حیاط خانه سنتی (خانه‌های تاریخی ایران مرکزی در عهد قاجار و صفوی)

حسنا ورمقانی*

استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

چکیده

پیکره هر اثر معماری را شاخه‌هایی خاص موجودیت می‌بخشند که نحوه سازمان‌یافتگی و آمیختگی این شاخه‌ها بر روابط خاصی که میان فضاهای اصلی و فرعی داخل بنا جاری می‌شوند، اثرگذاری دارند. شاخه آمیختگی یا مولفه ترکیبی، بخش یا جز تعیین‌کننده در موجودیتی مادی یا معنوی است که دربرگیرنده تمامی موجودیت‌های فیزیکی یا کالبدی بنا، محیط آن و نیز مفهوم‌هایی است که به تعیین هویت اجتماعی بنا راه می‌برند و بررسی آن در محفلی تحلیلی، راه و روال شناخت فضای معماری است. از جمله عناصر و اجزای ساختاری خانه ایرانی، حیاط است که در ساختار فضایی مسکن از جایگاه و ضرورت ویژه‌ای برخوردار بوده و از جنبه‌های اقلیمی، عملکردی، مناسبات فرهنگی و اجتماعی حائز اهمیت فراوانی بوده است. همچنین بخش زیادی از عملکردهای خانه متأثر از آن است. پژوهش حاضر با کاربرد روش توصیفی تحلیلی، تفسیری تاریخی و پدیدارشناسانه و با تکیه بر شواهد و قرائن تاریخی، به بررسی ویژگی‌ها و ابعاد شاخه‌های آمیختگی در حیاط خانه سنتی می‌پردازد، هویت فردی-جمعی آن را استدلال می‌نماید و در این میان، خانه‌های تاریخی ایران مرکزی در عصر قاجار و صفوی را مورد بررسی قرار می‌دهد. به‌علاوه چهار خانه تاریخی متعلق به دوره قاجار در شهرهای یزد و کاشان انتخاب شده‌اند تا با مشاهدات میدانی و بررسی‌های کتابخانه‌ای سوالات پژوهش پاسخی مصداقی پیدا کنند. سوالات تحقیق مطرح می‌کنند که؛ هریک از شاخه‌های آمیختگی در حیاط خانه‌های تاریخی دارای چه ویژگی‌ها و ابعادی است؟ و چگونه می‌توان هویت فردی-جمعی حیاط خانه سنتی را بر اساس شواهد و قرائن تاریخی استدلال نمود؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند شاخه آمیختگی کالبدی ضمن پاسخگویی به نیازهای کارکردی، پدیدآورنده سایر شاخه‌های آمیختگی فرهنگی، اجتماعی، آیینی، طبیعی و تفریح و لذت است که از طریق شکل‌دادن به قلمروهای مشترک یا منفرد و مجزا، امکان انجام کارکردهای متنوع را فراهم نموده و به پدیداری هویت فردی-جمعی حیاط خانه سنتی انجامیده است.

واژگان کلیدی: شاخه‌های آمیختگی، حیاط، خانه تاریخی، ایران مرکزی، قاجار، صفوی.

* نویسنده مسئول: E-mail: h.varmaghani@qiau.ac.ir

مقدمه

پیکره هر اثر معماری را شاخه‌هایی خاص موجودیت می‌بخشند که نحوه سازمان‌یافتگی و آمیختگی این شاخه‌ها بر روابط خاصی که میان فضاها اصلی و فرعی داخل بنا جاری می‌شوند، اثرگذاری دارد. «شاخه آمیختگی یا مولفه ترکیبی، به معنای بخش یا جز تعیین‌کننده در موجودیتی مادی یا معنوی است» (فلامکی، ۱۳۹۳، ۱۴۱). نقش حیاط در ساختار فضایی معماری ایران غیرقابل‌انکار و گاهی از ضروریات طراحی مسکن به سبب شرایط اقلیمی و جغرافیایی بوده است. حیاط در این ساختار از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و علاوه بر کاربردهای اقلیمی، از منظر عملکردی نیز حائز اهمیت فراوانی بوده است. «حیاط در بنای سنتی بیش از هر فضای دیگر مترادف با خلوت و مکان زندگی است. این همه بنا را موجودی درون‌گرا، واحه‌ای مستقل و جهان صغیری در دل جهان کبیر شهر جلوه می‌داد» (نویسی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰، ۲۴) و عبارت بود از فضایی امن و محدوده‌ای که حریم خانواده به‌شمار می‌رفت و از دیدرس افراد نامحرم و غریبه دور بود (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰، ۷۰). از جمله دلایل شکل‌گیری این گشایش فضایی، عواملی چون شرایط اقلیمی، مناسبات فرهنگی و اجتماعی و... را می‌توان نام برد؛ اما به نظر می‌رسد عوامل دیگری نیز در ایجاد آن موثر بوده است. این عنصر نقشی اساسی در سازمان فضایی خانه داشته و بخش زیادی از عملکردهای مختلف خانه تحت تاثیر آن بوده است. بر این اساس در پژوهش حاضر قصد بر آن است که با نگاهی پدیدشناسانه، مفهوم شاخه‌های آمیختگی در حیاط خانه ایرانی مورد واکاوی قرار گرفته و در این میان، خانه‌های تاریخی ایران مرکزی در عصر قاجار و صفوی بررسی خواهند شد.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- هریک از شاخه‌های آمیختگی در حیاط خانه‌های تاریخی دارای چه ویژگی‌ها و ابعادی است؟
- ۲- چگونه می‌توان هویت فردی- جمعی حیاط خانه سنتی را بر اساس شواهد و قرائن تاریخی استدلال نمود؟

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد: ۱. منابع تاریخی شامل تاریخ‌های محلی، شرح‌حال و سفرنامه‌ها که با نگاهی موشکافانه، نظام فضایی خانه‌های تاریخی را در ارتباط با مناسبات و فعالیت‌های جاری توصیف نموده‌اند؛ ۲. پژوهش‌های معاصر درباره خصوصیات کالبدی خانه ایرانی. از منابع گروه اول می‌توان کتاب‌های *ایران در یک قرن پیش* (ویلز، ۱۳۸۹)، *به سوی اصفهان* (لوتی، ۱۳۷۱)، *در سرزمین آفتاب* (بروگش، ۱۳۷۴)، *اصفهان از دید سیاحان خارجی* (اشراقی، ۱۳۷۹)، *گزارش کویر* (صفاءالسلطنه نائینی، ۱۳۸۲)، *سفرنامه سدیدالسلطنه* (۱۳۶۲) و *مرآه‌البلدان* (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷) را نام برد. از منابع گروه دوم نیز کتاب‌هایی نظیر *خانه، فرهنگ، طبیعت* (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸)، *آشنایی با معماری مسکونی ایرانی* (معماریان، ۱۳۸۷)، *اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی* (فلامکی، ۱۳۹۲) حائز اهمیت است که سازمان فضایی و کالبدی خانه‌های ایرانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در زمینه ویژگی‌های ساختاری و تأثیرات فضایی حیاط نیز به‌طور خاص مقالاتی نگاشته شده که صرفاً به هندسه و راندمان عملکردی (پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۵)، پیکربندی (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۹) و بررسی تطبیقی خصوصیات شکلی و عناصر طبیعی (زینلیان و اخوت، ۱۳۹۶؛ نیازی‌مطلق و اکبری، ۱۳۹۸) پرداخته شده؛ اما پدیدشناسی این عنصر مهم فضایی از نگاه تاریخ اجتماعی مورد توجه قرار نگرفته است. نوشتار پیش‌رو به چگونگی نمودپذیری

شاخه‌های آمیختگی در حیاط مسکن ایران مرکزی پرداخته و از این نگاه، برخی مصادیق خانه‌های یزد و کاشان را در بستر تاریخی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

■ روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی تحلیلی، تفسیری تاریخی و پدیدارشناسانه است. داده‌های موردنیاز نیز از میان کتب تاریخی، شرح‌حال‌ها و سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی معتبر شناسایی شده‌اند. سپس براساس این داده‌ها شاخه‌های آمیختگی در حیاط مورد کنکاش قرار گرفت و مشخص شد هر یک از شاخه‌های آمیختگی در حیاط خانه‌های تاریخی دارای چه ویژگی‌ها و ابعادی است. هم‌چنین هویت فردی- جمعی حیاط خانه سنتی بر اساس شواهد و قرائن تاریخی استدلال گردید. چهار خانه تاریخی متعلق به دوره قاجار در شهرهای یزد و کاشان انتخاب شد تا با مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی و بررسی‌های کتابخانه‌ای سوالات بالا پاسخی مصدق پیدا کند. فرآیند تحقیق حاضر، بنا بر روش تفسیری تاریخی شامل سه مرحله شناسایی، سازمان‌دهی و بازگویی است. بازگویی داده‌ها و شواهد می‌تواند با هدف ابهام‌زدایی صورت گیرد. به این معنا که جنبه‌هایی از واقعیت تاریخی موجود را در جهت بررسی یک ادعا مورد تاکید قرار می‌دهد و به بازگویی پدیده تاریخی از نگاهی خاص می‌پردازد. در این روند، «گاه با کنار هم قرار دادن پدیده‌های تاریخی، حتی اگر برقراری پیوندی محکم امکان‌پذیر نباشد، به کمک شواهد استنباطی می‌توان موضوعی را با موضوع دیگر پیوند داد» (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۱۵۷).

■ مبانی نظری

نخستین گام در فهم یک پدیده، شناخت اجزای سازنده و عوامل تاثیرگذار بر آن است. در این تحقیق نیز پدیده‌شناسی مسکن ایرانی در راستای شناخت عناصر و عواملی است که حیاط خانه سنتی را شکل می‌دهند یا در پدید آمدن آن ایفای نقش می‌کنند. کاپن (۱۹۹۹) به منظور خوانش معماری، مجموعه‌ای از نظریات معماران در زمینه اصلی‌ترین اجزا و مقوله‌های تشکیل‌دهنده معماری را بررسی کرده و بر این جمله ارسطو در رساله اخلاق تکیه دارد که اگر بخواهیم بدانیم انسان خوب چیست، نخست باید ببینیم انسان از چه تشکیل شده است (کاپن، ۱۳۸۸). معماریان در مقاله نحو فضای معماری به توضیح و نقد یکی از روش‌های خوانش و تحلیل فضای معماری که توسط صاحب‌نظران انگلیسی در اوایل دهه هفتاد معرفی شد، پرداخته است که با شناخت الگوهای ارتباطات فضایی، روابط اجتماعی ساکنان را شناسایی می‌کند (معماریان، ۱۳۸۱). دکتر مهدی حجت با تاکید بر مولفه کارکرد، معماری را ظرف زندگی انسان می‌داند که تصور خیالی آن نیز بدون توجه به وجه کارکردی‌اش ابتر است و نوعی ساخت یا سازمان‌یافتگی متناسب با کارکرد و زندگی محقق در بنا را مدنظر دارد. کارکرد در معنای وجودی خود، عرف‌ها و سنت‌هایی را متناسب با محیط فراهم می‌سازد (غریب‌پور، ۱۳۸۶). در این پهنه است که ارتباط متعامل و دوستانه میان انسان و محیط وی نیز برقرار می‌گردد. دکتر گلیجانی مقدم (۱۳۸۶) با رویکرد تاریخ‌شناسانه به معماری ایران، هدف از خوانش معماری را هدایت مخاطب به درک حقایقی از گذشته می‌داند که معماری بر مبنای آن شکل گرفته است. این رویکرد می‌بایست وجه شناخت را در تاریخ معماری ایران اصل قرار دهد، شناختی که بر مبنای فهم معماری ایران و زمینه‌های فرهنگی و تاریخی آن و نیز بر مبنای روش کیفی و تحلیلی شناخت از شکل‌گیری اثر تا مراحل تغییر آن باشد. دکتر حائری (۱۳۹۳) روش شناخت معماری ایران را در سه گروه دانشی

گونه‌شناسی، معناشناسی و انسان‌شناسی مورد مطالعه قرار داده است. در بسیاری از پژوهش‌ها و مطالعات معماری ایران، هدف از خواندن معماری، شناخت ارزش‌ها و الگوهاست که از آن جمله می‌توان به شناخت الگوهای درون‌گرا و برون‌گرای مسکن ایرانی (معماریان، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷)، انواع الگوهای ورودی (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰ ب)، مسجد (زمرشیدی، ۱۳۸۸) و کاروانسرا (کیانی و کلایس، ۱۳۷۴) اشاره داشت.

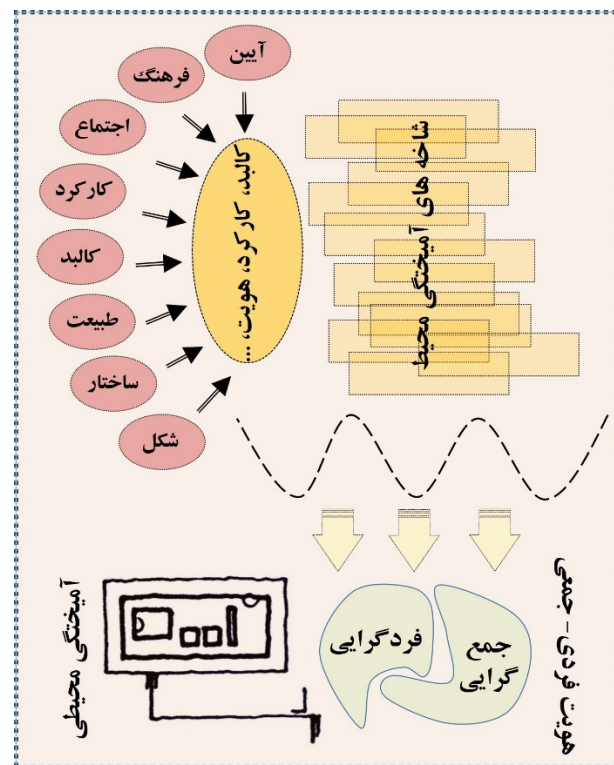
دکتر فلامکی به منظور شناخت صحیح معماری ایران، توجه به مولفه‌های شناخت و بررسی شاخه‌های آمیختگی را ضروری می‌داند و معتقد است معماران، بر مبنای آن‌چه از ترکیب شدن یا درهم آمیختن شاخه‌های اصلی کارشان به دست می‌آید، تلاش می‌کنند تا معناها و مفهومی را به محیط زندگی ساکنان عرضه دارند. اینان با مولفه‌ها یا شاخه‌های آمیختگی معماری کار می‌کنند که در تعیین و تشخیص معماری موثرند (فلامکی، ۱۳۹۲). هدف اساسی از خوانش معماری ایران، درس‌آموزی به معنای آشنایی با نظریه‌ها و نحوه مواجهه دیگر معماران با اثر معماری و بازگویی ارزش‌هاست. این ارزش‌ها را روح معماری (عظیمی حسن‌آبادی و قهاری، ۱۳۹۳)، اصول معماری (فلامکی، ۱۳۹۲)، ارزش‌های پایدار در معماری (صارمی و رادمرد، ۱۳۷۶)، هنجار معماری (عمرانی‌پور، ۱۳۸۴) یا سرشت یگانه معماری (ندیمی، ۱۳۸۶) نیز نامیده‌اند. بنابراین درس گرفتن از تاریخ معماری شامل درک مبانی و اصول (وجه نهان)، الگوها، روش‌ها و فرم‌ها (وجه آشکار) است که معمار برای پاسخ‌گویی به مسائل مشابه مورد استفاده قرار داده است. در واقع اهداف اصلی در خواندن معماری را می‌توان در مرحله نخست، آموختن از معماری و در مرحله بعد مشق معماری بیان کرد که به معنای کاربرد دانش حاصل از خواندن در معماری امروز است. با مطالعه دیدگاه‌های مطرح در راه و روال خوانش و شناخت معماری ایران، شاخه‌های آمیختگی در خواندن عنصر حیاط خانه‌های تاریخی پی گرفته خواهد شد.

■ شاخه‌های آمیختگی در حیاط خانه‌های تاریخی

قابلیت محیط حیاط وابسته به موجودیت کاربردی و کالبدی فضاهای پیرامون بوده و پاسخگوی نیازهای ساکنان به برقرار کردن ارتباط با یکدیگر در امور زیستی، مناسبات اجتماعی، امور اقتصادی، مذهبی و... بوده است. حیاط خانه تاریخی از آمیختگی هم‌زمان فرهنگ، تکنولوژی، جهان‌بینی و نوع معیشت ساکنان پدید می‌آید و تعامل کاربران با مجموع شرایط محیطی را بیان می‌نمود. در شرایط اقلیمی فلات مرکزی ایران، حیاط درونی، فضایی محصور و مجزا از محیط پیرامون بود که خرد اقلیمی در مقیاس خانه را پدید می‌آورد. در عین حال، گشوده نگه‌داشتن راه‌هایی که پیوندهای همسایگی و هم‌جواری و هم‌محله‌ای و هم‌شهری بودن را میسر می‌ساخت، تحدید این محیط را تعدیل می‌گرداند. راه از هشتی‌ها به بام هریک از همسایگان همیشه باز نگه داشته می‌شد. هم‌چنین نوع معیشت به‌صورت خانواده گسترده، الزام بهره‌گیری تمام اهالی خانواده از این فضا را ایجاد می‌نمود و این آمیختگی محیط زیستی، اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی در حیاط خانه ایرانی متجلی می‌گشت. فضای حیاط فقط برای پاسخ‌گویی به فعالیت‌های سکونت در مقیاس خانواده ساخته نمی‌شد؛ بلکه حرمت‌گذاری بر محیط اجرای مراسم جمعی (مذهبی و...) به‌مثابه حجابی، مانع ابراز نظرات فردی گشته و به یکسان‌سازی رفتارها و کردارها می‌انجامید. به این ترتیب، این آمیختگی در سطح کارکردهای فردی و جمعی نیز بروز می‌یافت.

شاخه آمیختگی کالبدی^۱ دربرگیرنده تمامی موجودیت‌های فیزیکی یا کالبدی بناست که قابل‌اندازه‌گیری یا اندازه‌گذاری کلی‌اند. همچنین شاخه آمیختگی کارکردی^۲ دربرگیرنده مجموعه خواست‌ها و نیازهایی است که به

کاربری به مثابه امری مکانیکی می‌نگرند. شاخه آمیختگی مفهومی^۳ به شناخت مفهوم‌هایی راه می‌برد که تعیین‌کننده هویت اجتماعی فرهنگی بنا به شمار می‌آید. شاخه آمیختگی محیطی^۴ نیز دربرگیرنده تمامی رابطه‌های دوسویه و پویایی است که میان بنا و محیط بنا برقرارند یا می‌توانند برقرار شوند (فلامکی، ۱۳۹۳، ۱۴۱). تصویر ۱، اثرگذاری شاخه‌های آمیختگی بر هویت محیط را تشریح می‌نماید.



تصویر ۱. اثرگذاری شاخه‌های آمیختگی بر هویت فردی-جمعی محیط (نگارنده)

■ شاخه آمیختگی کالبدی

حیاط خانه تاریخی پیش از هرچیز، محیط کالبدی آن را سامان می‌داد. زیرا طرح‌اندازی مسکن از حیاط آغاز شده و فضاهای بسته و پوشیده، گرداگرد آن قرار می‌گرفتند. فضاهای اصلی مسکن شامل سهدری، پنج‌دري، هفت‌دري و... با حیاط ارتباط مستقیم داشته و گاهی نام خود را برحسب ارتباط با آن می‌گرفتند. «معمولا در بزرگی به حیاط باز می‌شد. وسط آن حوض فواره‌داری وجود داشت و در سه‌طرف، اتاق‌هایی بنا می‌گشت. زیرزمین‌ها، پنجره‌های کوچکی داشتند که روشنایی را از آن‌ها می‌گرفتند» (جملی‌کاری نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۲۷۰). برخی توصیفات تاریخی، موقعیت حیاط در نظام کالبدی خانه‌ها را به‌دقت روشن می‌سازد:

از میان دیوارهای بسیار بلندی که با آجر خاکستری یا خشت و گل ساخته شده است و گاه سوراخ‌ها و درهای پرده‌داری با فواصل زیاد روی آن‌ها دیده می‌شوند عبور کرده؛ زیر سایه یکی از طاق‌ها جلوی دری که چند میخ آهنین به آن کوفته شده و دسته بزرگی برای دق‌الباب از آن آویزان است توقف می‌کنیم. این خانه من است. نخست از دالانی تاریک و سرابی ویران و پر از خاک گذر نموده و آن‌گاه به حیاط آفتاب‌داری با درختان زیبا و پُرگل نارنج و حوضی که آب آن جریان دارد می‌رسیم (لوتی، ۱۳۷۱، ۸۵).

دکتر ویلز (۱۳۸۹، ۷۷) به ابعاد حیاط اندرون خانه عین‌الملک به عرض ۱۵ و طول تقریبی ۳ متر اشاره کرده و از عطر گل‌های رنگارنگ باغچه‌ها، فواره‌های مرتفع، آب زلال و خنک حوض وسط حیاط و پرده ضخیم جلوی درب کوتاه به حیاط اندرونی خبر می‌دهد که برای رسیدن به آن بایستی از چند حیاط و راهرو گذر می‌کردند. موضوع دیگر در شاخه آمیختگی کالبدی، چگونگی ترکیب فضاهای سرپوشیده و فضاهای باز با یکدیگر است که موجب «به حداقل رساندن میزان نفوذ گروه‌های نامربوط به یکدیگر و سازمان‌دهی مناسب فضاهای مرتبط در کنار هم گشته؛ به نحوی که کارایی آن‌ها در گرو خدمات‌رسانی مناسب به یکدیگر باشد» (Hillier, 2007, 229). این نوع سازمان‌دهی فضایی، منجر به شکل‌گیری روابط کارآمد اجتماعی در فضا می‌شد. شاخص دیگر وابسته به آمیختگی کالبدی، ارتباط بیشتر با فضاهای مجاور یا ارتباط تنگاتنگ فضای بسته با فضای باز درونی است؛ آن‌چنان‌که وجود هر یک بدون دیگری ناقص و بی‌معنی می‌نماید. در این هم‌نشینی، نقش حیاط چنان چشمگیر است که اگر از میان برخیزد همه چیز فرومی‌پاشد.

■ شاخه آمیختگی کارکردی

کارکرد مهم حیاط، هویت‌بخشی عملکردی به فضاهای بسته و تعیین مراتب عملکردی آن‌ها بود. به این معنا که مقام و مرتبه فضاهای بسته، در اغلب اوقات از طریق نحوه ارتباطشان با حیاط و نوع تظاهر آن‌ها در میان جبهه‌های حیاط معین می‌شد. به‌عنوان مثال، دیوان‌خانه در خانه رجال و معاریف ایران بر حسب تامین عمده روشنایی از حیاط، فضایی با اهمیت و «اتاق بزرگی هم‌کف باغ و حیاط و مخصوص پذیرایی مهمان‌ها بود و همان‌جا نیز به تهیه و صرف غذا می‌پرداختند» (دل‌واله، ۱۳۷۰، ۸۳). بدین لحاظ حجم بسته نسبت به حیاط، عمق محدودی می‌یافت که معمولاً تنها یک فضا را در خود جای داده و چنان‌چه این عمق افزون می‌گشت یا ردیف دیگری از اتاق‌ها در پشت فضاهای مشرف به حیاط قرار می‌گرفت، ممکن بود حیاط‌های فرعی برای تامین نور این فضاها به وجود آید. در این حالت، انتظام خاصی از فضاهای باز و بسته پی‌درپی پدید می‌آمد که سکونت در بنا را بسیار دلپذیر می‌گرداند. توالی فضاهای باز و بسته که در نقشه خانه‌های تاریخی ایران مرکزی وجود داشته، ناشی از سازمان‌دهی فعالیتی است. در سفرنامه فریزر وجود حیاط‌های متعدد در کاخ‌های سلطنتی به‌منزله تشریفات ورود به تالار پذیرایی ذکر شده است. وی در توصیف دیدار منوچهرخان، حیاط‌های وسیع و متعددی را توصیف می‌کند که برای رسیدن به بالاخانه وی از آن‌ها گذشته است (فریزر، ۱۳۷۴، ۱۲۲-۱۲۱). لوتی نیز در توصیف منزل ظل‌السلطان حاکم اصفهان، گذر از باغ‌های متعدد با باغچه‌های نسترن سفید و گل‌سرخ را گزارش می‌کند که همه آن‌ها با درهایی به یکدیگر مربوط می‌شدند. «دم هر دری پاسبانانی که علامت ایران یعنی شیروخورشید بر کلاه‌های خود نصب کرده‌اند مشغول مراقبت بودند» (لوتی، ۱۳۷۱، ۲۱۶). اولتاریوس، تشریفات ملاقات با شاه‌صفی را شرح می‌دهد که برای رسیدن به حضور وی، از حیاط طویلی گذر کرده که دو سوی آن، درختان بلند سرو و چنار به‌طور منظم در خطی راست کاشته شده و تعداد زیادی تفنگچی به‌طور منظم در هر دو طرف ایستاده بودند. «در انتهای حیاط و در پهنای آن، محوطه باز جایگاه بار عام شاه بود که دیوان‌خانه یا عدالت‌خانه‌اش می‌نامند و به اندازه سه پله بلندتر از کف حیاط قرار داشت» (اولتاریوس نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۱۵۲-۱۵۱).

حیاط افزون بر ایجاد وحدت رویه بین عناصر، نوعی ارتباط پیمایشی بین آن‌ها ایجاد می‌نمود. این ارتباط یا از ورودی ساختمان به مقصد دیگر فضاهای پراکنده صورت می‌گرفت و یا با استقرار محوطه اصلی تابستانی و زمستانی

در جبهه‌های مختلف، ارتباط‌دهنده بخش‌های اصلی خانه بود. اولتاریوس در وصف شکوه و تجمل یکی از خانه‌های اعیانی اصفهان به تعدد حیاط‌ها و محیط مفرح آن اشاره کرده و می‌نویسد: «جمعا چهار حیاط با مساحت‌های مختلف و اتاق‌های زیاد گرداگرد آن‌ها و نهر آبی به پهنای ۲۵ پا که دو طرف آن را درختان چنار و درخت‌های کوتاه دیگر فراگرفته؛ گردشگاه زیبایی را به وجود آورده بود(اولتاریوس نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۱۴۹). این فضای باز محصور در حرم‌سرا و کاخ‌های سلطنتی مساحت بیشتری داشت و «دیوار حصار که همه باغ‌ها و تاکستان‌های منضم بدان‌ها را نیز دربرمی‌گرفت، بسیار عظیم و طویل بود»(فیگوئروا نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۷۸). وفور، تنوع و استمرار استفاده از ایوان‌ها نیز حاصل توجه به فضای باز درونی و میل به ارتباط و هم‌نشینی با آن بود. ویلز(۱۳۸۹، ۲۶۷)، خوابیدن روی پشت‌بام در طول سه ماهه تابستان را رسم مردم شیراز می‌داند. دلاواله(۱۳۷۰، ۸۹) نیز گزارش کرده است که شب‌های تابستان، هیچ‌کس در اتاق نمی‌خوابید؛ بلکه همه در بالای ایوان‌ها و بام‌ها که بسیار مطبوع است، سر می‌کردند(آنه، ۱۳۹۸، ۲۶)، نصب پشه‌بند‌های بزرگ روی مهتابی و محفل قصه‌گویی پس از شام را از دیگر کاربردهای این فضای باز دانسته است. دکتر ویلز، کارکرد اقتصادی حیاط خانه‌های محله ارمنی‌نشین جلفا را چنین توصیف می‌کند که «تعدادی از زنان ارمنی حیاط خانه را تبدیل به مغازه یا شیرینی‌پزی و نانواپی کرده‌اند و بدین طریق به جای مردان تنبل خود به کاسبی می‌پردازند» (ویلز، ۱۳۸۹، ۳۹۰). در برخی خانه‌های چند حیاطه تهران عصر قاجار، حیاط‌های متعدد توسط صاحب‌خانه اجاره داده می‌شد. چنانچه سدیدالسلطنه از خانه خواهرزاده میرزا اسمعیل نزدیک خانه جناب سعدالملک در محله سنگلج یاد می‌کند که عبارت از سه دستگاه شامل حیاط اندرونی با باغچه و حوض مربعی و حیاط بیرونی با آب‌انبار و حیاط اصطبل و اتاق‌های متعدد بود. «در بیرونی، خود صاحب‌خانه سکونت گرفته و اندرونی و اصطبل را ماهی هشت تومان اجاره می‌داد»(سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲، ۱۳۴). این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد با تحول روابط حاکم بر زنان و مردان در میانه دوره قاجار، نظام‌های فضایی و فعالیت‌های نیز دگرگون شده‌اند. به این معنا که عملکرد حیاط اندرونی به‌عنوان بزرگ‌ترین حیاط خانه که مخصوص فعالیت‌های زنان در طول روز بوده و با دیوارهای بلند محصور می‌شد، متحول گشت. با امکان اختلاط میان زنان و مردان، گاهی از حیاط اندرونی برای پذیرایی‌های مردان و زنان استفاده می‌شد. در این شرایط، «زنان و مردان در دو سمت مجزا نشسته و دو سفره جدا برایشان پهن می‌شد»(یزدی، ۱۳۹۸). در برخی موارد با انتقال کار مردان از بیرونی به اندرونی، فضای بیرونی عملاً کاربری تعریف شده خود را از دست داده و به برخی کاربری‌های تازه نظیر «انبار وسایل یا اقامت شبانه مهمانان»(یزدی، ۱۳۹۸) اختصاص یافت. از سویی فرمانفرمائیان(۱۳۷۳، ۲۵) از کارکرد آموزشی حیاط برای دختران خانواده‌های رجال عهد پهلوی خبر می‌دهد و در تمایز شیوه تحصیل آنان با سایر دختران خاطرنشان می‌کند که «جلسه امتحان برای ما در بیرونی برگزار می‌شد. ما هرگز از خانه بیرون نمی‌آمدیم و در اندرون‌ها به سر می‌بردیم و تفریح خاصی جز بازی در باغ نداشتیم»(فرمانفرمائیان، ۱۳۷۳، ۱۷-۱۶). بررسی نظام فضایی-فعالیتی حیاط‌های خانه محمدابراهیم کاشی(تصویر ۲)، برخی تحولات کارکردی و تغییر عناصر غیرثابت و لایه‌های نرم حیاط را در عین ثبات پیکره کالبدی آن آشکار می‌نماید.



تصویر ۲. خانه عباسیان کاشان با پنج طبقه و پنج حیاط (نگارنده)

حیاط در اغلب فصول سال و اغلب ساعت‌های روز و شب، بدون حدودمرز کاربرد داشته و کاملاً قابل توسعه و افزایش بود. از نشستن بر روی تخت، مهتابی، کف حیاط، قدم زدن، معاشرت با دیگران، خوابیدن، آفتاب گرفتن، غذا پختن، کار کردن و... گرفته تا تبدیل شدن به نهاد اعتقادی برای مراسم مختلف از قبیل محرم و چهارشنبه‌سوری. «پاسخ‌گویی به مجموعه نیازهایی که در جریان زندگی فردی و شخصی برای دخول به زندگی جمعی و خانوادگی در طول شبانه‌روز رخ می‌نمود، بدون سنجش با ضابطه‌های محیطی صورت نمی‌گرفت» (فلامکی، ۱۳۹۲: ۱۶۱). این امر بر پایه تجربه‌های محلی متممادی بر اساس حرمت‌گذاری بر سلیقه‌ها و آداب‌ورسوم محلی و برپایه اقتصاد فضایی تحقق پیدا می‌کرد. پرداختن به این مهم زیرشاخه آمیختگی کاربردی قرار دارد.

■ شاخه آمیختگی فرهنگی

برگزاری مراسم عزاداری در حیاط، ملاقات با همسایگان و اقوام، برگزاری جشن‌ها و همچنین توجه به مسائل اعتقادی هم‌چون برپایی نماز در حیاط خانه، مصادیقی از حضور لایه‌های فرهنگی در شکل‌گیری روابط اجتماعی در حیاط خانه ایرانی بوده است. برخی، ناامنی اجتماعی فرهنگی در ساختار زندگی ایرانیان که بر نوعی ساختار بنیادی تقابلی میان درون و بیرون مبتنی بوده است را عامل شکل‌دهی به حیاط مرکزی دانسته و معتقدند بیرون برای ایرانی عرصه تضادها، تعارض‌ها، ناامنی‌ها، فقدان اعتماد و اطمینان و به‌نوعی، عرصه هرج‌ومرج غیراخلاقی و پایمال شدن حقوق و درنهایت، نوعی تنازع بقای غیراخلاقی است؛ اما عرصه درون، عرصه اعتماد، اطمینان، آرامش، پیش‌بینی‌پذیری، فهم متقابل و استیفای حقوق و فضای اخلاقی و عموماً سرشار از دگرخواهی و فداکاری برای

دیگران است (کمپفر، ۱۳۶۰، ۱۹۹؛ بیشوپ، ۱۳۷۵، ۸۰؛ ویشارد، ۱۳۹۹، ۹۳). لوتی ضمن توصیف باغ‌های دل‌انگیز خانه‌های ایرانی که با دیوارهای بلند، محصور شده است، می‌نویسد «جای شگفتی است که زندگی در این شهر تا چه اندازه مخفی و دور از اعتماد و اطمینان است» (لوتی، ۱۳۷۱، ۹۶). هم‌چنین دل‌واله تصریح می‌کند که در شهرهای ایران غالباً مدخل خانه‌ها را بسیار کوچک و تاریک می‌ساختند تا سربازان و سرداران سپاه بر آن‌ها طمع نبرند و به قصد منزل کردن در آن‌جا صاحب‌خانه را بیرون نیندازند (دل‌واله، ۱۳۷۰، ۲۹۰). این وضعیت، هماهنگی بسیاری با تقابل دوگانه درون/ بیرون در حیطه فرهنگی دارد که به بهترین نحو، در ساختار خانه ایرانی تبلور یافته است. «حتی شخصیت ایرانی نیز اجازه ورود غریبه را به فضای اندورنی ذهن خویش نمی‌داد» (دل‌واله، ۱۳۷۰، ۸۹). لوتی در توصیف حیاط خانه خود در شیراز که کوچک‌ترین ارتباط دیداری با خانه‌های پیرامون نداشت، تنها نقاط قابل‌رویت را نوک درختان تیریزی و پشت‌بام‌های گلین دانسته است. در دوردست‌ها نیز سلسله کوه‌های فاقد گیاه که دشت سرسبز شیراز را از اطراف احاطه می‌کردند؛ از بالای ساختمان‌های خاکی قدیمی پیدا بود (لوتی، ۱۳۷۱، ۹۳).

برگزاری مجالس مهمانی، از مهم‌ترین اتفاقات فرهنگی در حیاط خانه ایرانی بوده است. دکتر ویلز به مهمانی‌های بزرگ در حیاط خانه‌های اعیانی اشاره می‌کند. «اجرای گروه نوازندگان محلی، قصه‌خوانی شاهنامه‌ای و بازی شطرنج که تا نزدیکی‌های صبح ادامه داشت» (ویلز، ۱۳۸۹، ۳۵۱)، نمایشی از فرهنگ ایرانی است. شاردن نیز مهمان‌نوازی ایرانیان در وقت غذا خوردن را ستایش کرده و می‌نویسد: «هنگام غذا خوردن نه تنها در خانه را نمی‌بندند بلکه تمام افرادی که حضور دارند یا موقع غذا فرامی‌رسند و حتی نوکرانی که جلو درب خانه از اسب‌ها مراقبت می‌کنند اطعام می‌شوند... ایرانیان در وصف مهمان‌نوازی می‌گویند که حضرت ابراهیم هرگز بدون مهمان غذا نمی‌خورد» (شاردن، ۱۳۴۹، ۶). براون نیز به‌طور مشابهی در وصف مهمان‌نوازی ایرانیان نوشت: «میزبان فوق‌العاده علاقه‌مند است به مهمانان او خوش بگذرد و تمام وسایل راحتی را برای آن‌ها فراهم می‌کند» (براون، ۱۳۸۶، ۱۸۸). عنصر حیاط به دلیل اینکه با اصول اسلامی هیچ‌گونه تضادی نداشت و طرحی بود که می‌توانست میزان بالایی از حریمیت را تأمین نماید؛ به‌عنوان الگو و مدلی در خانه‌های اسلامی پذیرفته‌شده و باقی ماند (Hisham, 2011). آنچه مسلم است عوامل فرهنگی و اعتقادی در کنار عوامل اقلیمی و محیطی توأم باهم در به وجود آمدن حیاط در حاشیه کویر ایران موثر بوده است. بدین معنی که «ساختمان‌ها تظاهر به بیرون نداشتن و شکل ساختمان در حیاط مرکزی شکوفا می‌گردد. این مسئله به خاطر شرایط اقلیمی و مذهب اسلام بود که به حفظ حریم‌ها و درون‌گرا بودن واحد مسکونی تأکید داشت» (مهجور، ۱۳۷۳، ۵۹۰-۵۸۱). تصویر ۳، ویژگی‌های شاخه آمیختگی فرهنگی را در خانه تراب یزد نشان می‌دهد.



تصویر ۳. خانه اخوان سیگاری (تراپ) در یزد (نگارنده)

اظهاراتی مانند حق و رسالت سبب می‌شد خانواده در حصار و منزلتی قرار گیرد و جدایی و تمایز چشم‌گیری بین زندگی خصوصی و اجتماعی پدید آمده است؛ یکی از خصوصیات برجسته فرهنگ اسلامی گرد (گروهه، ۱۳۹۱، ۱۹۵). بر اساس همین دوگانگی خودی و غیرخودی، فضای معماری از دو بخش اندرونی - مکان اعضای درجه یک خانواده به‌ویژه زنان و بیرونی - محل آمدوشد مهمانان و افراد خارج خانه تشکیل شده بود. شاردن در عصر صفوی ویژگی خانه‌های تجار و بازرگانان شهر اصفهان را با داشتن اندرونی و بیرونی توصیف نموده که غریبه به آن راه نمی‌یافته است (شاردن، ۱۳۴۹، ۷۶-۷۱). با این حال، در دوره پس از ناصری، نظام فضایی برخی خانه‌ها، بر جدایی زنان و مردان از یکدیگر و نظام فعالیتی بر اختلاط آنان تاکید داشت. از عصر ناصری به بعد، از اهمیت هشتی که خروج و ورود زنان و مردان از آن انجام می‌پذیرفت، رفته‌رفته کاسته شد. گاه «حیاط اندرون از کوچه، دری جداگانه داشته و میان دو حیاط اندرونی و بیرونی دری یا پرده‌ای نصب بود» (کولیوررایس، ۱۳۶۶، ۱۲۳). لوتی نیز به دیواری که از داخل جلو درب خانه ملک‌التجار بود، اشاره کرده است که درون خانه را از انظار مستور می‌داشت. در پس آن، باغی با درختان گل سرخ و خیابان‌های مستقیم و حوض و فواره آب بود و پنجره اتاق پذیرایی رو به فواره و گل‌های باغ باز می‌شد (لوتی، ۱۳۷۱، ۹۵). نمایش مضامین اعتقادی بر دیوار حیاط از دیگر عوامل شکل‌دهی به محیط فرهنگی است. در کتاب مرآه‌البلدان، نقش صورت‌هایی بر کاشی‌های دیوار حیاط عمارت منشی‌الممالک توصیف شده که چشم چپ همه آن‌ها کور بوده است و علت را آن می‌داند که «در مذهب اسلام رسم تصاویر حرام است و اگر کسی در خانه خود صورتی نقش نماید، مقدسین اهل این ملت چشم چپ تصویر را می‌کنند و این عمل را ثواب می‌دانند. منشی‌الممالک از ابتدا به نقاش سپرده برای تصاویر دیوار خانه‌اش چشم چپ قرار ندهد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱۰۵). در خانه‌هایی که مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا به‌طور مداوم‌تری برگزار

می‌گردید، کتیبه‌هایی نیز به‌طور ثابت در بدنه‌های معماری بنا به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به کتیبه ترجیع‌بند مشهور محتشم کاشانی در خانه‌های سنتی یزد اشاره نمود.

■ شاخه آمیختگی آیینی

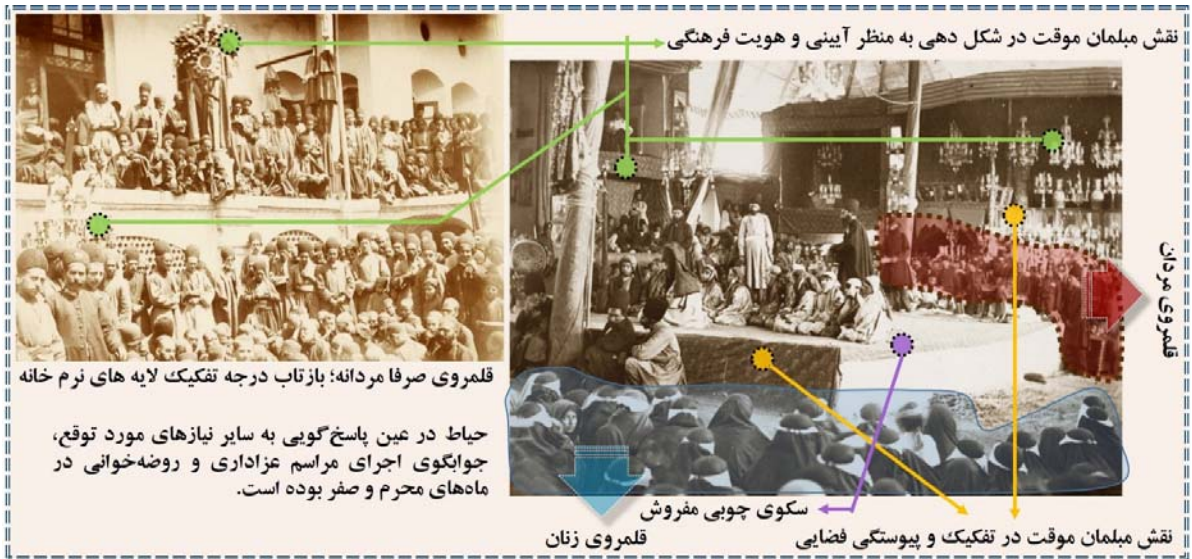
مهم‌ترین جلوه محیط آیینی حیاط که در منابع تاریخی مورد تاکید بوده، صورت‌دهی به مناسبات اجتماعی در قالب مراسم عزاداری، تعزیه، روضه‌خوانی و اطعام فقرا است. حیاط مرکزی با اتاق‌ها و تالارهای اطراف آن به بهترین نحو ممکن، در عین پاسخ‌گویی به سایر نیازهای مورد توقع، جواب‌گوی اجرای مراسم عزاداری و روضه‌خوانی در ماه‌های محرم و صفر بوده است. دوپره، موریه، دروویل و فلاندن بارها به اجرای تعزیه در حیاط خانه‌های ثروتمندان و دولت‌مردان حکومت فتحعلی‌شاه اشاره می‌کنند. شاردن نیز در سفرنامه خود از باغ معروف مکه نام می‌برد که اختصاص به زوار مکه داشت (شاردن، ۱۳۴۹، ۱۵۴-۱۵۳).

عبدالله مستوفی در توصیف خانه‌های رجال عهد ناصری می‌نویسد: «در این دوره، حیاط خانه‌ها را طوری ساخته بودند که در ایام محرم قابلیت اجرای تعزیه نیز در آن وجود داشته باشد» (مستوفی، ۱۳۸۶، ۲۹۹). وی در کتاب شرح زندگانی من از برگزاری مراسم روضه‌خوانی در منزل پدری‌اش یاد می‌کند و علم کردن چادر، فرش کردن حیاط و تقسیم کار افراد خانه در برگزاری مراسم را شرح می‌دهد. هم‌چنین تخصیص فضاهای مختلف خانه به زنان، مردان و طبقات اجتماعی را چنین وصف می‌کند:

«دور و ور منبر و خرندهای مجاور، جای نشستن زن‌ها و روبه‌روی منبر و خرندهای مقابل، مختص مردان و تالار هفت‌دهنه سمت شمال برای اعیان بود. اتاق شمال حیاط کوچک و ایوان رو به حیاط بزرگ که پرده زنبوری جلوی آن کشیده بودند، به مناسبت دری که از ایوان سمت اندرون داشت، مخصوص خانم‌های خانواده و دوستان مادرم بود. پدرم از اعیان و رجالی که به روضه می‌آمدند پذیرایی می‌کرد» (مستوفی، ۱۳۸۶، ۲۷۵-۲۷۴).

مریم فرمانفرمایان در شرح خاطرات خود می‌نویسد: «محتشم‌السلطنه از افراد سرشناسی بود که در منزلش در روزهای معینی روضه‌خوانی و اطعام فقرا برقرار بود» (فرمانفرمایان، ۱۳۷۳، ۲۷). خانواده اسفندیاری در خانه‌شان روضه‌خوانی برپا می‌داشتند و در ماه محرم غذای نذری می‌دادند و یا افراد بی‌بضاعت را برای شام دعوت می‌نمودند (فرمانفرمایان، ۱۳۷۳، ۲۷). حیاط‌ها و باغ‌های منضم به کاخ‌های سلطنتی صفوی نیز در اوقاتی از سال به مکان اجرای امور مذهبی اختصاص می‌یافت. «دستور اجرای تعزیه همه‌ساله در باغ ظل‌السلطان و به دستور خود او انجام می‌گرفت که نمونه کوچک‌تر آن به‌صورت سینه‌زنی و روضه‌خوانی در کاخ‌های مشیر و قوام و دیگران هم برگزار می‌شد» (ویلز، ۱۳۸۹، ۳۲۶-۳۲۵). ویلز به توصیف حیاط کاخ به هنگام این مراسم می‌پردازد:

«تعزیه بر سکوی بزرگ چوبی وسط حیاط انجام می‌شد. صحن حیاط و روی سکو با فرش‌های ضخیمی مفروش گشته و دورتادور دیوار و صحنه را با نصب پرده، پارچه و پرچم، سیه‌پوش می‌کردند. سمت چپ حیاط را با کشیدن پرده‌ای جهت استقرار زنان مجزا کرده بودند. چادر سلطنتی بزرگی که سرتاسر صحن حیاط وسیع را جهت حفاظت عزاداران از آفتاب و باران می‌پوشانید، با دقت و سلیقه خاصی برافراشته شده بود؛ چادری آن‌چنان عظیم و بی‌نظیر که چندصد شرکت‌کننده و اسب و شتر به همراه آورده آنان را به‌خوبی محفوظ می‌داشت» (ویلز، ۱۳۸۹: ۳۲۶-۳۲۵) (تصویر ۴).



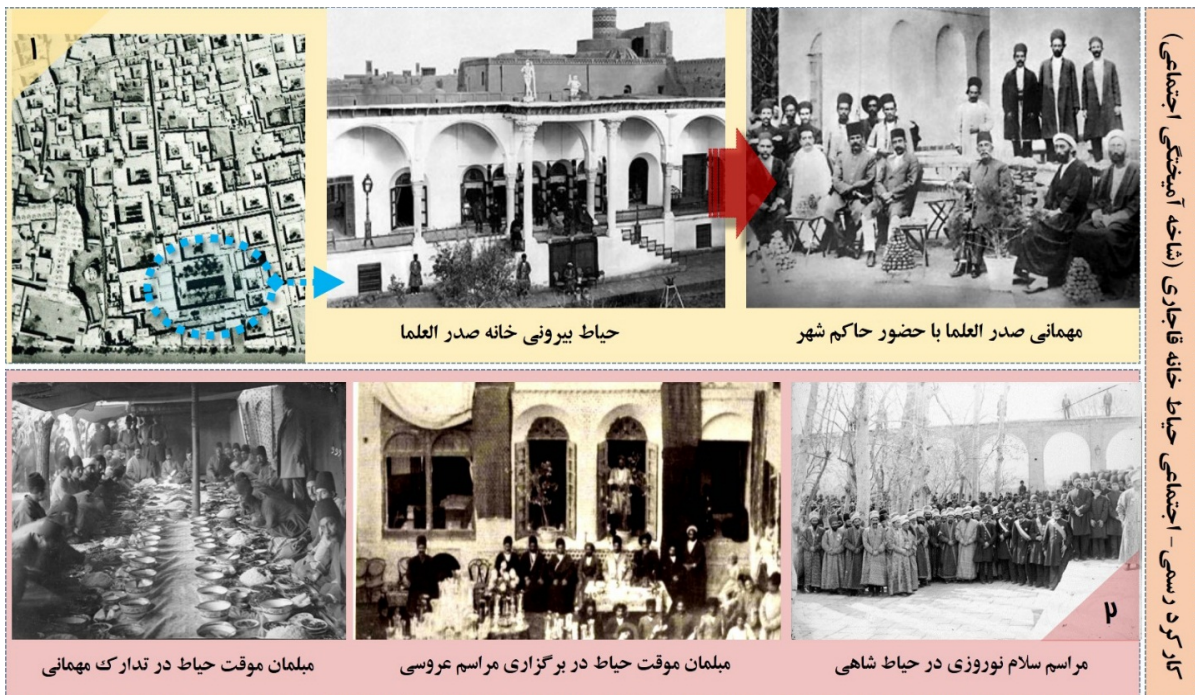
تصویر ۴. مراسم روضه‌خوانی در حیاط خانه قاجاری (تحلیل نگارنده از تصاویر با منبع Urll)

■ شاخه آمیختگی اجتماعی

تشریفات و پذیرایی‌های رسمی از مهم‌ترین کارکردهای حیاط در خانه‌های اعیانی و کاخ‌های سلطنتی بوده است. به هنگام اجرای مراسم، حیاط وسیع به‌انضمام تالار بزرگ مقابل آن، با گشودن درب‌ها به‌روی حیاط و فضا سازی بدنه آن، آراسته و مهیا می‌گردید. حاج‌سیاح (۱۳۴۶، ۷۰) در شرح مراسم مهمانی منزل نصیرالدوله، به کرسی‌های نهاده شده وسط باغ جهت پذیرایی اشاره می‌کند. فریزر در ذکر تشریفات بی‌سابقه‌ای که تاج‌الدوله برای گروه انگلیسی‌های مقیم تهران برپا کرده بود، به توصیف تدارک حیاط خانه آصف‌الدوله جهت ضیافت می‌پردازد. «اتاق بزرگی با حیاط بزرگ مقابل آن به صحنه بزم اختصاص داشت. روی حوض روبه‌روی پنجره‌ها، صحنه چوبینی بر پا کرده؛ بر آن نم‌گسترده و آن را با چادری برای مطرب‌ها پوشانده بودند. وسط باغ و پیاده‌روهای آن چراغ‌هایی روی داربست به معرض نمایش نهاده؛ دیوار بلند مقابل را با اشکال و طرح‌های نورانی تزیین کرده و این کار را بر دیوارهای اطراف دیگر حیاط‌ها نیز انجام داده بودند» (فریزر، ۱۳۷۴، ۱۹۷). تصویر ۵-۱، مهمانی در بیرونی خانه صدرالعلماء را نشان می‌دهد.

حیاط‌های مقابل تالار بار عام در باغ‌های سلطنتی، گاهی جهت پذیرایی‌های رسمی تجهیز می‌شد. این باغ‌ها با چنارهای بلند و حوض آب مزین به نرده سیمین، به‌وسیله دو خیابان متقاطع صلیبی به چهار قسمت منقسم بود. «اطراف حوض را با فرش‌های نفیس پوشانده و شاه و بزرگان در آن‌جا به استراحت می‌پرداختند. انتهای حوض، دو گلدان نقره‌ای قرار داشت. دویست توپچی و تفنگدار و چند جارچی یا مجری عدالت چوب‌بردوش ایستاده بودند» (جملی‌کارری نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۲۸۶). بروگش نیز در حیاط‌های وسیع درباری با گل‌کاری‌های زیبا و استخر و فواره، خیل عظیم خدمتکاران گوناگون را توصیف می‌کند که دست‌به‌سینه و گوش‌به‌فرمان ایستاده‌اند تا با یک اشاره از سوی شاه دستورش را اجرا کنند (بروگش، ۱۳۷۴، ۱۶۷). چنین تشریفات در حیاط‌های دربار صفوی نیز کاربرد داشته است. تالار طویله و میخانه صفویه در وسط باغ بسیار بزرگی بنا شده بود که در پذیرایی سفراء اسب‌های خاصه را آن‌جا می‌بستند. میخانه در باغی جداگانه واقع بود که برای ورود به آن بایستی از دالان‌های تاریک و تنگ سقف کوتاه گذر می‌کردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱۱۱-۱۱۰). کنت دوسرسی مشابه همین توصیف

را برای مدخل ورود به باغ شاهی ارائه داده است: «از میان دو ردیف سربازانی که تا برابر مدخل کاخ شاهی صف کشیده بودند عبور کردیم؛ سپس وارد دلان تاریکی شدیم که به همه چیز جز مدخل کاخ سلطنتی شباهت داشت. از آنجا وارد باغی شدیم که در آن، درختان چنار بلند و انواع گل‌ها دیده می‌شد. یک طرف باغ، عمارت شاه قرار داشت که با نقاشی‌های زیبایی مزین بود» (کنت دوسرسی نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۳۳۲). مراسم رسمی سلام نوروزی از دیگر مناسبات اجتماعی بود که در حیاط‌های کاخ شاهی با حضور رجال و اشراف ملبس به لباس‌های رنگارنگ و جبه‌های مجلل مهیا می‌شد. «سرتاسر محوطه‌ای وسیع، مفروش از فرش‌های گران‌قیمت و خوش‌نقش ایرانی بود. آب از فواره‌های بلند به داخل حوض واقع در وسط حیاط می‌ریخت. دورتادور حوض و خیابان پوشیده از گلدان‌های نرگس و دیگر گل‌های فصل و گلدان‌های بزرگ‌تر حاوی درختان پرتقال و نارنج بود» (ویلز، ۱۳۸۹، ۸۷). مهمانان توسط مامورین تشریفات، به داخل سالی دعوت می‌شدند که از یک‌سو به محوطه و از سوی دیگر به میدان بزرگ وسط شهر باز می‌شد (ویلز، ۱۳۸۹، ۹۱). (تصویر ۵-۲. محافل رسمی/اجتماعی)



تصویر ۵-۱. خانه صدرالعلماء یزد؛ تصویر ۵-۲. کارکردهای رسمی/اجتماعی حیاط (1.URL2; 2.URL3)

این‌گونه مراسم در حیاط‌های وسیع دربار صفوی نیز جریان داشت: «زیر درختان، جوی‌های آب روان بودند، فرش‌های زیادی روی زمین گسترده و روی آن، میزهای پر از غذاهای رنگارنگ، منظره‌ای بسیار تماشایی را فراهم می‌نمود» (یان‌اسمیت نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۱۶۲). شرح پذیرایی شاه‌سلطان حسین از عالی‌جناب میشل سفیر لویی چهاردهم، از زبان رافائل دومان (۱۸۹۰، ۱۰۸)، این جنبه از کارکرد اجتماعی حیاط و چیدمان موقت موجود در آن را نشان می‌دهد: «از او در مراسمی پذیرایی شد که یادآور افسانه‌ها بود؛ جشنی در فضای باز با چراغانی و آذین‌بندی بسیار باشکوه، زیر آسمانی صاف و دلنواز در میان آبشارهای درخشان، غذاهای مجلل و پرطمطراق در انبوهی از ظروف چینی طلا و نقره بی‌نظیر؛ علاوه بر همه این‌ها مهربانی و محبت میزبانان، محبتی شرقی و بسیار دلپذیر و

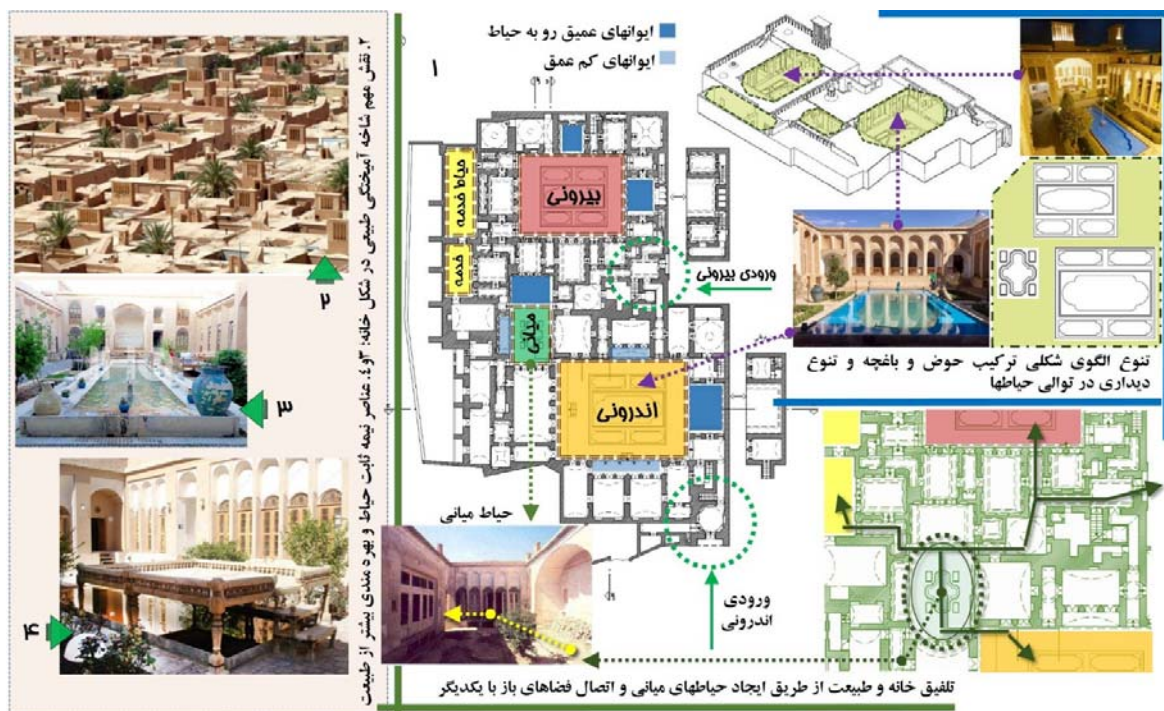
پرتعارف همراه با ملاتفت و احترام که آدمی را سرمست می‌سازد و طعم واقعی دوستی و محبت را می‌چشاند (فروغی، ۱۳۸۱، ۶۴). دلاواله توصیف دیگری از لایه‌های نرم حیاط و مبلمان موقت آن را بیان می‌کند: «شمع‌های بزرگ مومی و پیه‌سوز بر سفره بزرگی مقابل مهمانان قرار داشت و انعکاس این همه نور در استخر همراه با روشنی آسمان و درخشندگی ستارگان در میان انبوه درختان تنومند، منظره‌ای بس بدیع و تماشایی بود» (دلاواله، ۱۳۷۰، ۳۱۴). اشاره وی به خانم‌های حرم که از پشت پرده‌ها، صحنه را تماشا می‌کردند؛ نشان می‌دهد چنین مهمانی‌هایی تنها مختص مردان بوده است. بیشوپ (۱۳۷۵، ۳۲) ملاقات با میرپنج (اصفهان، ۱۸۹۰) در باغچه بیرونی را شرح می‌دهد که از طریق راهرو باریکی به حیاط اندرونی متصل می‌شد. هر دو این حیاط‌ها به طرز زیبایی پوشیده از انواع و اقسام گل‌های رنگارنگ معطر بود. شرح احوال و گزارش‌های رسیده از دوره ناصری به بعد نشان می‌دهد رفته‌رفته عناصر ثابت و نیمه‌ثابت حیاط دگرگون شدند؛ چنان‌که استفاده از اشیا و لوازم فرنگی چون میز، صندلی، مبلمان و وسایل تزئینی در گزارش‌های فرنگیان به چشم می‌خورد.

■ شاخه آمیختگی طبیعی

محیط طبیعی حیاط در شاخه بوم‌شناختی، محفل به‌درستی شناخته‌شده‌ای بود؛ چندان‌که هیچ‌گونه درختی یافت نمی‌شد که بدون سنجش میزان آب موردنیاز، میزان سایه و طول عمر آن‌ها و آهنگ سبز شدن و سبز ماندن و به‌بارنشستن کاشته شود. آبرسانی به هیچ خانه و عمارتی بدون شناخت کامل شرایط جغرافیای طبیعی و اتکا به داده‌های زمین‌ساختی در مقیاس گسترده صورت نمی‌گرفت. حیاط، ارتباط ساکنان خانه را با طبیعت تضمین نموده؛ به‌صورت فرمی یگانه و بهترین پاسخ به شرایط محیط طبیعی، تامین‌کننده نوعی زندگی کوچک و مانوس درونی در برابر فضای باز و ناامن بیرونی بوده است. «درختان گل‌سرخ که دیوارهای حیاط خانه‌ها را می‌پوشاند، آن‌ها را به باغ یا باغچه گل‌سرخ، همانند می‌ساخت» (لوتی، ۱۳۷۱، ۱۸۹). پشت‌بام‌های صدها خانه متصل به یکدیگر و در فواصل معین، گودال‌های چهارگوشی وجود داشت که رنگ سبز درختان نارنج و گیاهان از آن‌ها پیدا بود. این چهارگوش‌ها عبارت از حیاط‌های محصور، باغچه‌های کوچک و خانه‌های دولت‌مندان بودند (لوتی، ۱۳۷۱، ۱۰۶). محیط طبیعی ضروری‌ترین عامل در شکل‌دهی به حیاط در نواحی مرکزی ایران بوده است. بر همین مبنا، استفاده از حیاط‌های داخلی مشجر و معطوف نمودن فضاهای زندگی به حیاط، از عمده‌ترین مشخصات معماری مناطق گرم و خشک و موثرترین شاخه آمیختگی محیطی بوده است. فیگوئروا درباره حیاط‌های پردرخت خانه‌های اصفهان می‌نویسد: «شهرک تبریزیان و جلفا و شهرکی که گبرهای قدیمی یزد و کرمان در آن ساکن بودند، بر روی هم ده‌هزار خانه داشت. اما باغ‌ها و تاکستان‌هایی که آن‌ها را احاطه می‌کرد، فضایی وسیع را در برمی‌گرفت؛ به‌طوری‌که جمعیت آن‌ها بیش از آن‌چه واقعا هست به نظر می‌آمد (فیگوئروا نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۸۲). تاورنیه در این باره ابراز داشته است: «نباید تعجب کرد که شهر به این بزرگی این قدر کم‌جمعیت دارد. برای این‌که هر خانواده یک خانه جداگانه و هر خانه یک باغ مخصوص دارد. از هر سمت که به اصفهان بروند، اول منارهای مساجد و بعد درختان خانه‌ها نمودار می‌شود. به‌طوری‌که اصفهان از دور، به جنگلی می‌ماند تا شبیه به یک شهر (تاورنیه نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۱۲۵). کمپفر می‌گوید شانزده فرسخ دور شهر اصفهان است و تمام این مسافت میان دیوار شهر مملو از خانه‌ها و باغات بود که وصل به یکدیگر بودند (کمپفر، ۱۳۶۰، ۱۰۴). ویلز، حیاط‌های شیراز را پوشیده از انواع درختان نارنج و پرتقال و دیگر مرکبات توصیف کرده که بوی عطر دل‌آویز شکوفه‌هایشان سراسر شهر را معطر ساخته بود (ویلز، ۱۳۸۹، ۲۶۶).

فیگوروا ارجحیت فضای باز نسبت به فضاهای بسته در خانه‌های این مناطق را چنین وصف می‌کند: «در باغی اتراق کردیم که در آن جز کلبه‌ای بی‌قواره و اتاقی که به‌زحمت یک تخت‌خواب در آن جا می‌گرفت موجود نبود؛ اما خنکی محل، تماشای درختان، انبوهی سبزه‌ها و گروهی از مردم که در حوالی آن قدم می‌زدند، خالی از لذت نبود» (فیگوروا نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۶۸).

در برخی شهرها مردم از گلدان‌های کوچک و بزرگ سفالی برای ایجاد فضایی سبز در لبه حوض‌ها، جلوی ایوان‌ها و در مواردی حتی برای سبز کردن فضای مهتابی‌ها و بام‌ها استفاده می‌کردند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰ الف، ۷۷). تشکیل حیاط‌هایی با عنوان نارنجستان و سراستان، دلیل دیگری در اهمیت اقلیم و طبیعت در شکل‌دهی به حیاط خانه ایرانی است. از سوی دیگر، «تصویر بهشت موعود که از ادوار قبل تاکنون در مخیله ایرانیان به وجود آمده، تصویری از زیباترین و دل‌پذیرترین باغ‌هاست» (ویلبر، ۱۳۹۰، ۵۲). نارنجستان با ابعادی کوچک‌تر از حیاط اصلی خانه، به‌ویژه در پاییز و زمستان، فضایی سبز و مطبوع را برای ساکنان خانه فراهم می‌کرد؛ زیرا امکان سرپوشیده کردن آن به‌وسیله چادر فراهم شده و خشک شدن درختان را در سرمای شدید مانع می‌شد. سراستان نیز به شکل باغی کوچک یا باغچه‌ای بسیار بزرگ در ترکیب با فضای خانه بود. تصویر ۶، تحلیلی بر شاخه آمیختگی محیط طبیعی است.

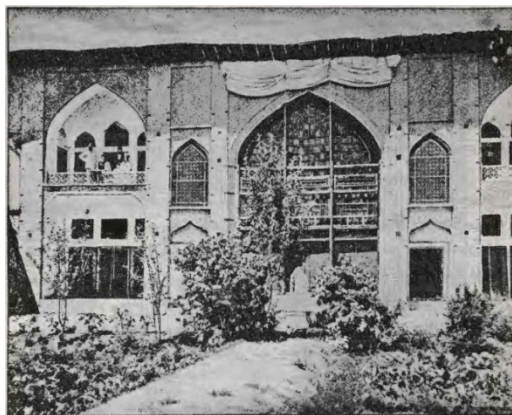


تصویر ۶. شاخه آمیختگی محیط طبیعی؛ ۱. تحلیل فضای باز و نیمه‌باز خانه گلشن، یزد. ۲. نقش طبیعت در شکل‌دهی به بافت شهری محله چوپانان، اصفهان. ۳. حیاط اندرونی خانه اخوان سیگاری. ۴. تختگاه روی حوض خانه نواب وکیل، یزد (نگارنده)

■ شاخه آمیختگی محیط تفریح و لذت

شاخه دیگری از آمیختگی محیط حیاط که به‌ویژه در توصیفات تاریخی خانه‌های اعیانی بیان شده، استفاده از آن به‌منظور فراغت و تفریح است. محیط فرحبخش حیاط در کنار سایر کارکردهای فردی و اجتماعی آن مورد توجه بوده است. به‌عنوان مثال، ویلز، مردم ایران را علاقه‌مند به داشتن باغ‌های کوچک در میان صحن حیاط یا انتهای ساختمان

می‌داند که در این باغچه‌ها انواع گل و میوه را به عمل می‌آوردند. به عقیده وی «نشستن در سایه این درختان و چای نوشیدن از سماورهای برنجی بزرگ واقعا لذت‌آور است» (ویلز، ۱۳۸۹، ۳۵۱). در تابستان پنجره رو به حیاط، مکان دل‌پذیر آقا و خانم خانه بود و گوشه برگزیده اتاق می‌توانست دفتر کار و کتابخانه صاحب‌خانه بوده، به فضای شخصی اختصاص یابد (نجمی، ۱۳۷۵، ۳۲۲). ویلز در توصیف خانه اجاره‌ای خود در جلفای اصفهان به باغچه بزرگ با درختان میوه و انواع گل‌های زیبا و معطر و حوض بزرگ با آب زلال و خنک که از قنات تامین می‌شد، اشاره می‌کند. هم‌چنین وجود باغ انگور در انتهای حیاط که از دریچه کوچکی به آن راه داشت را از دیگر مزایای این خانه می‌داند (ویلز، ۱۳۸۹، ۳۹۰). (تصویر ۷)



تصویر ۷. حیاط خانه دکتر ویلز در جلفا (ویلز، ۱۳۸۹، ۳۹۱)

وی در توصیف خانه دیگری شامل دو دستگاه حیاط کامل که آن را خریداری کرده، به پنجره‌های بزرگ و سرتاسری اتاق‌های پنج‌دری به سمت باغچه خوش‌منظره حیاط اشاره می‌کند؛ حیاطی آن‌چنان وسیع که حدود پنجاه اصله درخت میوه در آن کاشته و به ثمر رسانده است (ویلز، ۱۳۸۹، ۲۵۰). فریزر در توصیف خانه میرزا ابوالحسن‌خان، توجهی خاص به حیاط‌های متعدد آن معطوف داشته است:

«خلوتگاه او غرفه‌ای از بهشت و کامل‌ترین نمونه خانه اعیانی ایرانی است که من توانسته‌ام در جایی سراغ کنم. راه ورود به عمارت از مدخلی آبرومند بلافاصله وارد حیاطی نسبتاً بزرگ می‌شود که محصور به ساختمان‌هایی است و انتهای حیاط، دیوان‌خانه یا تالار پذیرایی بزرگی وجود دارد. تعداد این حیاط‌ها به قدری است که نمی‌توانم به خاطر بیاورم و راه ورود از یکی به دیگری از راهروها و دالان‌های تنگ می‌گذرد» (فریزر، ۱۳۷۴، ۱۵۵).

لوتی باغ‌های بزرگی را در اطراف تهران توصیف می‌کند که با زحمت زیاد به وسیله مردم ایجاد شده و همه محصور بوده است. این باغ‌ها خانه‌های اعیان ایرانی و دارای عماراتی بود که به همسران ایشان اختصاص داشت (لوتی، ۱۳۷۱، ۲۶۸). وی خانه‌های زیبای چند تن از محترمین اصفهان با باغ‌های دل‌انگیزتر و آراسته به خیابان‌هایی با درختان نارنج و سروهای آزاد و بوته‌های گل‌سرخ را مشاهده کرده و معتقد است اگر این باغ‌ها تا بدین حد محصور و بدون رابطه با بیرون نبود، بسیار زیبا و دلربا می‌شد. ولی برای آن‌که زنان بتوانند بدون حجاب در آن‌ها گردش کنند دیوارها را بسیار بالا می‌بردند (لوتی، ۱۳۷۱، ۹۶). کمپفر معتقد است در بنای اغلب خانه‌های ایرانی دو عامل خوش‌گذرانی و حسادت دست‌اندرکار بوده است؛ خوش‌گذرانی موجب می‌شد ایرانی‌ها منزل خود را در باغی بزرگ با

آب فراوان، سایه و باغچه قرار دهند؛ در اثر حسادت ناگزیر بودند باغ را با دیواری به دونیم کنند؛ به یک قسمت از آن (دیوان)، بیگانگان و مهمانان را راه دهند و راه قسمت دیگر، همین حرم را چنان با عالم خارج قطع نمایند که حتی وفادارترین و یکدلترین دوستان نیز جسارت نکنند بدان گام بگذارند. زیرا این قسمت کاملاً اختصاصی صاحب‌خانه بود (کمپفر نقل از اشراقی، ۱۳۷۹، ۲۳۶).

■ تحلیل یافته‌ها

حیاط خانه ایرانی به‌عنوان محفل و مکان جلوه‌گر شدن ارزش‌هایی که برخاسته از فرهنگ، جامعه و بستر محیطی بود و اجزای آن، سلیقه بهره‌وران را بازتاب می‌داد، بیانگر ارزش‌هایی گونه‌گون و پرشمار است که هویت و تشخیص‌های فرهنگی آنان را تعریف نموده و تا مرز تعیین‌های فکری و سلیقه‌ای بر فرد آنان تأثیرگذاری داشت. حیاط مرکز فعالیت‌های مشترک افراد خانه بود که با تعریف محل‌هایی برای نشستن از طریق تختگاه‌های کنار حوض، گشودن درب اتاق‌ها به حیاط، مفروش‌ساختن و تنوع و استمرار استفاده از ایوان‌ها، فاصله کارکردهای فردی حیاط، کاهش و موجب تقویت هویت جمعی می‌گشت. فضای حیاط مرکزی امکان زندگی اجتماعی در مقیاس واحدهای بزرگ خانوادگی را نیز مقدور می‌ساخت که به‌صورت حضور در حلقه حیاط یا اتصال چند حیاط مرکزی تودرتو ممکن گشته و بدین ترتیب نوعی زندگی خرد اجتماعی را نیز سازمان می‌داد. ازسوی دیگر، ایرانی در محدوده خصوصی خود، فرد-محور، درون‌گرا و انتزاع‌نگر و درمیانه چهار دیوار واجد حس مالکیت و مسئولیت بوده و آزادی محض را حق خود می‌دانست؛ اما در خارج از آن به‌شدت مقید به قراردادهای سختگیرانه اجتماعی بود. حیاط خانه سنتی نشان‌دهنده سطوح مختلف حریم شخصی و قلمرو خصوصی، از دنیای نهان (اندرونی) زنان و کودکان گرفته تا قلمرو عمومی‌تر و آشکار (بیرونی) مردها و مشغولیت‌های اجتماعی بود. این درجه از فردیت، آزادی و امنیت در خانه ایرانی مورد توجه اغلب سیاحان قرار گرفته است. چنان‌که از نوشته‌های آنان برداشت می‌شود، فضای امن درونی در معماری، فرهنگ، شخصیت، اجتماع و مذهب، همواره نوعی عرصه متعالی برای انسان ایرانی بوده که در تلاطم و احساس مداوم و مستمر ظلم در اجتماع بیرونی، آرامش و اطمینان وجودی خویش را در آن جستجو می‌کرد. در نظر آنان، این حس ایرانی نسبت به فضای اندرونی، بیانگر ناامنی گسترده فضای بیرون بود؛ ازاین‌رو دو قاعده متفاوت را برای هر کدام از این فضاها وضع می‌نمود که شامل نفع‌طلبی و خصلت شدیداً خودخواهانه ایرانی در بیرون و نوعی دگرخواهی و ایثار برای دیگران در اندرون؛ به‌ویژه، در خانواده و تا حدودی، در فضاهای مذهبی با ویژگی‌های حیاطه اندرونی بود. نشستن فضای باز در میان فضای بسته و روی برتافتن از بیرون، آن را به مکان دنج و پراعتباری مبدل می‌نمود. دقت بیشتر در طرح حیاط میانی، انتخاب‌ها و خصوصیات را آشکار می‌کند که عزت و اعتبار حیاط را بهتر نشان‌داده و گرایش به درون را تفهیم می‌نماید. یکی از این انتخاب‌ها اصل دسترسی به فضاهای بسته از طریق حیاطی است که درمیانه واقع گشته، نقش گره ارتباطی را ایفا می‌کرد. علی‌رغم جدایی‌گزینی و انزوایی که در خانه‌ها اختیار می‌شد، پیوستگی و ارتباط کالبدی و عملکردی میان آن‌ها انکارناپذیر است. اتصال پشت‌بام‌های خانه‌ها به یکدیگر، راهی که از هشتی هر خانه به بام وجود داشت و دریچه‌ها و دالان‌هایی که از هشتی خانه‌های مجاور یکدیگر ایجاد می‌گردید، امکان ارتباط اجتماعی را فراهم می‌نمود.

جدول ۱. هویت توام جمع‌گرا و فردگرای محیط حیاط (نگارنده)

ردیف	ابعاد هویت فردی:
۱	آرامش و آسایش درون(حیاط) در مقابل شلوغی و هیاهوی بیرون (شهر)
۲	هویت فردگرای عرصه‌های نیمه‌باز حیاط از طریق چیدمان عناصر نیمه‌ثابت و لایه‌های نرم فضا
۳	قابلیت گسست فضایی از طریق ایوان‌های کم‌عمق و صفاها و امکان کاربرد فردی
۴	تشکیل عرصه آرامش، اطمینان و امنیت از طریق کنترل روبت‌پذیری قلمروهای باز و نیمه‌باز
۵	امکان شخصی‌سازی فضا از طریق انجام فعالیت‌های فردی در بخشی از عرصه حیاط اندرونی توسط زنان نظیر پخت نان، پنبه‌ریسی و کارگاه شیرینی‌پزی
ابعاد هویت جمعی:	
۶	قابلیت پیوستگی فضایی از طریق کاربرد ایوان‌های عمیق به‌منظور ترتیب‌پذیری‌های دوستانه و خانوادگی
۷	کاهش فاصله کارکردهای فردی با گزینش مبلمان ثابت و نیمه‌ثابت در عرصه‌های فضایی حیاط
۸	تاثیرگذاری هویت فرهنگی بر فعالیت‌های جمعی در عرصه حیاط نظیر تهیه غذای نذری؛ مهمانی‌ها، دیدوبازدیدهای روزانه، مراسم ملی و مذهبی و مراسم روضه‌خوانی و تعزیه دهه محرم
۹	تاثیرپذیری هویت فضایی حیاط از روابط زنان و مردان و شکل‌گیری قلمروهای مردانه و زنانه یا قلمروهای جمعی مشترک

در بررسی ویژگی‌ها و ابعاد شاخه‌های آمیختگی حیاط خانه ایرانی نمی‌توان اولی‌تبی برای هیچ‌یک از هفت مولفه کالبدی، کارکردی، فرهنگی، آیینی، اجتماعی، طبیعی و تفریح و لذت قائل شد و هریک در جای خود واجد اهمیت و آمیخته با سایر شاخه‌ها است. با این حال، پیکره کالبدی بنا از آنجا که قابل‌مشاهده است، یکی از ملموس‌ترین شاخه‌های آمیختگی محیطی را تشکیل می‌دهد؛ به‌ویژه آنکه محیط با بسترهای گوناگون و مکمل تعریف می‌شده؛ محیط کالبدی حیاط همراه با کارکرد فردی- اجتماعی، آداب‌ورسوم همزیستی و حرمت‌گذاری بر ارزش‌های کالبدی- کارکردی- طبیعی توام با احترام‌گزاردن بر حقوق مالکیت و حق شهروندان شکل می‌یافت. هر یک از شاخه‌های آمیختگی واجد طیف وسیعی از فعالیت‌های فردی و اجتماعی بوده و حیاط ضمن حرمت‌گذاری بر رسم‌ها و مفهوم‌های جاری، قابلیت پوشش رفتارهای جدید را بدون تغییر کالبدی داشته است. مهم‌ترین مسئولیت پیکره کالبدی حیاط، پاسخگویی به کاربری‌های جاری و در لایه‌های عمیق‌تر، ممزوج با زیرشاخه‌های آیینی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. اگر توالی فضاهای باز و بسته و قابلیت توسعه و افزایش آن، ناشی از سازمان‌دهی فعالیت‌ها است؛ این مشخصه، پدیده‌ای فرهنگی بوده و از سویی، مناسبات اجتماعی محیط حیاط را می‌نمایاند و بازگویی نحوه ارتباط با بستر و محیط طبیعی بوده است؛ ویژگی‌های مطلوب محیط نیز بر شکل پیکره حیاط اثرگذاری داشت؛ در تعیین مکان، اندازه و تناسبات گشایش‌های حیاط مداخله نموده و فضای درونی را با فضای باز، پیوندهایی خاص می‌داد. نقش‌ونگارهای دیوارهای حیاط، از سویی شاخه‌های شکلی و کالبدی را معین نموده و از سویی، بار معنایی و مضامین آن، به شناخت باورهای فرهنگی- اجتماعی جامعه راه می‌برد.

■ بسط یافته‌ها

در بررسی نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق، دو نکته موردتوجه قرار دارد؛ یکی کاربرد نتایج در فضای امروزی جامعه و دیگری تعمیم یافته‌ها به کل جامعه و فرهنگ عمومی. در مورد اول باید گفت که یکی از اصول مورد تحلیل در مقاله، قابلیت انطباق و انعطاف فضا با کارکردهای متمایز در مسکن ایرانی است. این اصل در تحقیق حاضر با تمرکز بر عنصر حیاط در خانه‌های تاریخی ایران مرکزی بررسی شد. با این حال، سایر عرصه‌های فضایی نیز با تحلیل شاخه‌های آمیختگی قابل ارزیابی است. به عبارتی کاربرد امروزی نتایج تحقیق از سویی بسط شاخه‌های آمیختگی

در تحلیل و طراحی عرصه‌های فضایی مسکن معاصر و از سوی دیگر بسط دانش تاریخی در حوزه مسکن است. موضوع دوم، محدود بودن نمونه‌های مورد بررسی به طبقه خاص اعیانی و تردید در تعمیم نتایج به کل جامعه و فرهنگ عمومی است. اگر پذیرفته شود که آمیختگی محیطی و انعطاف عملکردی در عمارت‌های اعیانی با توجه به گسترده بودن قلمروهای کالبدی و تعدد عرصه‌ها کمتر بروز می‌یابد، در این صورت، انطباق شاخه‌های آمیختگی در عناصر فضایی مسکن سایر طبقات جامعه با کارکردهایی احتمالا متفاوت، نمود بارزتری خواهد داشت. تدقیق این ادعا که از نتایج ضمنی تحقیق حاضر است، می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد سنجش قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

بررسی شاخه‌های آمیختگی در حیاط خانه‌های مورد مطالعه دو نکته را مشخص می‌کند. اول آن که ویژگی‌های کالبدی-فضایی حیاط که در این تحقیق، ذیل شاخه آمیختگی کالبدی قرار می‌گیرد، ضمن پاسخگویی به نیازهای کارکردی، پدیدآورنده سایر شاخه‌های آمیختگی فرهنگی، اجتماعی، آیینی، طبیعی و محیط تفریح و لذت است. دوم آن که ساختار کالبدی حیاط که در دولاپه سخت و نرم بنا و عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و موقت، قابل بررسی است؛ از طریق شکل‌دادن به قلمروهای مشترک یا منفرد و مجزا، امکان انجام کارکردهای متنوع در بسترهای فرهنگی، اجتماعی، آیینی و تفریح و لذت را فراهم نموده؛ به پدیداری هویت فردی-جمعی حیاط خانه سنتی انجامیده است.

جدول ۲. ویژگی‌ها و ابعاد شاخه‌های آمیختگی محیط حیاط (نگارنده)

ابعاد و ویژگی‌ها	شاخه‌های آمیختگی
<ul style="list-style-type: none"> - تعدد عناصر نیمه‌باز در ترکیب با حیاط و نقش آن در تنوع سلسله‌مراتب ارتفاعی بنا - سامان‌دهی محیط کالبدی از طریق قرار گرفتن حیاط در میانه تاروپود کالبدی بنا - اعتباربخشی به عرصه‌های بسته و نیمه‌باز برحسب درجه نورگیری و ارتباط با حیاط - نظم و توالی در سلسله‌مراتب فضاهای باز/نیمه‌باز 	کالبدی
<ul style="list-style-type: none"> - فعالیت‌های متعدد روزانه-شبانه در فضاهای باز با مقیاس خرد - تغییر کارکرد نظام فضایی حیاط در طول شبانه‌روز و طی زمان در عین ثبات نسبی لایه‌های سخت کالبد بنا - هویت‌بخشی عملکردی به فضاهای بسته و تعیین مراتب عملکردی آن‌ها 	کارکردی
<ul style="list-style-type: none"> - قابلیت تشکیل فضای پیوسته اجتماعی باز/نیمه‌باز/ بسته از طریق گشودن درب اتاق‌ها به حیاط - تسهیل فعالیت‌های مشترک و تقویت کارکردهای جمعی از طریق چینش مبلمان غیرثابت - پاسخ‌دهی شاکله حیاط در برگزاری مراسم رسمی/ اجتماعی از قبیل پذیرایی‌ها و سلام‌های نوروزی در حیاط‌های دربار 	اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> - عناصر نیمه‌ثابت از قبیل تخت‌گاه‌ها و گلدان‌های پیرامون حوض، فرش و پرده، علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای گاه‌به‌گاه و تعریف قلمرو، فرهنگ اطعام و مهمان‌نوازی ایرانی را نمایش می‌دهد. - تغییر تدریجی فرهنگ در نحوه مبلمان حیاط و نوع آن‌ها و نه در ساختار سخت کالبدی بروز یافت. - تحول کارکرد حیاط‌ها از قلمروهای متمایز زن/ مرد به عرصه مشترک زنانه-مردانه به همراه تغییر مالکیت در دوره دوم قاجار، از ابعاد اثرگذاری فرهنگ است. - کنترل بصری عرصه‌های حیاط از طریق گزینش عناصر ثابت(دیوار حجاب و...) و نیمه‌ثابت(پرده و...) 	فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> - نقش‌پردازی ثابت دیوارهای حیاط با مضامین اعتقادی و آیینی - پاسخگویی ساختار شکلی-فضایی حیاط برای اجرای مراسم آیینی/ مذهبی - کارکرد عناصر ثابت/ نیمه‌ثابت و موقت جهت شکل‌دهی به منظر آیینی و هویت فرهنگی 	آیینی
<ul style="list-style-type: none"> - توجه به گونه‌گونی دیداری در حیاط‌های متوالی و تودرتو از طریق ایجاد تنوع در الگوی شکلی/ ابعادی حوض و باغچه - کاربرد حیاط‌های میانی کوچک‌تر جهت راه‌یابی حیاط‌های اصلی خانه به یکدیگر که موجب توالی فضاهای باز و امتزاج عرصه‌های باز و بسته با یکدیگر می‌گردد. - تخت‌گاه‌های روی حوض، مفروش‌ساختن عرصه‌های میانی حوض‌ها و باغچه‌ها در ایام خاص جهت بهره‌مندی هرچه بیشتر از طبیعت به‌منظور کارکرد پذیرایی/ نشیمن/ آشپزی/ ملاقات و... 	طبیعی

<p>- وجود حیاط‌های متعدد نارنجستان، سراستان، باغ خانه و... اهمیت تامین فضای دل‌پذیر و مطبوع را برای ساکنان خانه نشان می‌دهد.</p> <p>- کاربرد مهنایی در هنگام غروب آفتاب یا شب‌های مهنایی، محیط تفریح و لذت را فراهم می‌کرد.</p> <p>- کاربرد قسمتی از بام طبقه همکف برای گذراندن اوقات فراغت یا شام‌خوردن و خواب، همراه با فراهم نمودن محفل گفتگو و قصه‌گویی.</p>	<p>تفریح و لذت</p>
--	---------------------------

آنچه مهم است سازگاری و انسجام شاخه‌های آمیختگی در پیکره فضایی باز-نیمه‌باز عرصه‌های حیاط در خانه‌های تاریخی ایران مرکزی است که امکان بروز رفتارهای فردی/ جمعی را تدارک می‌نماید. ویژگی‌ها و ابعاد شاخه‌های آمیختگی که در این مقاله به آن پرداخته و در جدول ۲، مختصراً جمع‌بندی شده‌اند، راه تحقیقات آتی در تحلیل ابعاد انسجام سایر الگوهای شکلی خانه‌ها را هموار می‌نمایند.

پی‌نوشت

1. Physical Component
2. Functional Component
3. Conceptual Component
4. Environmental Component

فهرست منابع

- آنه، کلود. (۱۳۹۸). *اوراق ایرانی (خاطرات سفر کلود آنه)*. ترجمه: ایرج پروشانی. تهران: گویا. (۱۹۲۴).
- اشراقی، فیروز. (۱۳۷۹). *اصفهان از دید سیاحان خارجی*. اصفهان: آتروپات.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. (۱۳۶۷). *مرآةالبلدان*. به کوشش: عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- براون، ادوارد. (۱۳۸۶). *یک سال در میان ایرانیان*. ترجمه: مانی صالحی علامه. تهران: اختران. (۱۹۷۰).
- بروگش، هینریش. (۱۳۷۴). *در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه هینریش بروگش: تصویری از ایران سده نوزدهم)*. ترجمه: مجید جلیوند. تهران: مرکز. (۱۸۸۶).
- بیشوپ، ایزابلا. (۱۳۷۵). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*. ترجمه: مهرباب امیری. تهران: سهند. (۱۸۹۱).
- پیوسته‌گر، یعقوب و حیدری، علی‌اکبر و کیایی، مریم. (۱۳۹۵). *ارزیابی نقش حیاط «خانه» در ارتقای راندمان عملکردی*. صفحه، ۲۶ (۷۳)، ۳۹-۶۰.
- حاجیان، مینا و علی‌تاجر، سعید و مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۹). *تاثیر حیاط در شکل‌گیری پیکربندی خانه‌های سنتی ایران در کاشان*. آرمان‌شهر، ۳۰، ۴۳-۵۵.
- حائری‌مازندرانی، محمدرضا و ملکوتی، علیرضا و اسماعیلی، شبنم‌السادات. (۱۳۹۳). *روش شناخت چنددانشی معماری خانه‌های تاریخی ایران، نمونه موردی بررسی ۸۷ خانه تاریخی در شش شهر کشور*. نامه معماری و شهرسازی، ۶ (۱۲)، ۱۱۷-۱۳۳.
- دلاواله، پیترو. (۱۳۷۰). *سفرنامه پیترو دلاواله*. ترجمه: شعاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی. (۱۶۶۴).
- زمرشیدی، حسین. (۱۳۸۸). *مسجد در معماری ایران*. تهران: زمان.
- زینلیان، نفیسه و اخوت، هانیه. (۱۳۹۶). *ساختارشناسی حیاط در خانه‌های قجری اقلیم گرم‌و‌خشک و گرم‌و‌مرطوب با تمرکز بر گونه «حیاط مرکزی»*. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۸ (۳۱)، ۱۵-۲۹.
- سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی‌خان. (۱۳۶۲). *سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیرالطریق)*. تهران: به‌نشر.

- سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۰ الف). *نقش جغرافیا در شکل‌گیری انواع حیاط در خانه‌های سنتی*. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۵، ۸۶-۶۹.
- سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۰ ب). *فضاهای ورودی در معماری سنتی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سیاح، حاج‌محمدعلی. (۱۳۴۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. به کوشش: حمید سیاح. تهران: امیرکبیر.
- شاردن، ژان. (۱۳۴۹). *سیاحت‌نامه شاردن*. ترجمه: محمد عباسی. تهران: امیرکبیر. (۱۷۱۱).
- صارمی، علی‌اکبر و رادمرد، تقی. (۱۳۷۶). *ارزش‌های پایدار در معماری ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- صفاءالسلطنه نائینی، میرزا علی‌خان. (۱۳۸۲). *سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی (تحفه الفقراء)*. به اهتمام: محمد گلبن. تهران: اطلاعات.
- عظیمی حسن‌آبادی، علیرضا و قهاری، سیدعلیرضا. (۱۳۹۳). *اندیشه معماران معاصر ایران*. تهران: فرهنگ صبا.
- عمرانی‌پور، علی. (۱۳۸۴). *هنر و معماری اسلامی ایران: یادنامه استاد دکتر لطیف ابوالقاسمی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری سازمان عمران و بهسازی شهری.
- غریب‌پور، افرا. (۱۳۸۶). *عملکردگرایی و معنای عملکرد*. هنرهای زیبا، ۳۰(۳۰)، ۷۳-۸۲.
- فرمانفرمائیان، مریم. (۱۳۷۳). *خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمائیان)*. تهران: اطلاعات.
- فروغی، حسن. (۱۳۸۱). *تاثیر سفرنامه‌های فرانسوی مربوط به ایران بر ذهنیت خوانندگان در قرن هجدهم*. پژوهش زبان‌های خارجی، ۱۳، ۷۸-۵۱.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۷۴). *سفرنامه فریزر (معروف به سفر زمستانی)*. ترجمه: منوچهر امیری. تهران: توس. (۱۹۷۳).
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۳). *ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری*. تهران: نشر فضا.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۲). *اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی*. تهران: نشر فضا.
- کاپن، دیوید اسمیت. (۱۳۸۸). *مبانی نظری معماری*. ترجمه: علی یاران. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. (۱۹۹۹).
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). *سفرنامه کمپفر*. ترجمه: کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی. (۱۹۴۰).
- کولیوررایس، کلارا. (۱۳۶۶). *زنان ایرانی (سفرنامه کلارا کولیوررایس)*. ترجمه: اسدا... آزاد. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس. (۱۹۲۳).
- کیانی، محمدیوسف و کلایس، ولفرام. (۱۳۷۴). *کاروانسراهای ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گروبه، ارنست. (۱۳۹۱). *معماری جهان اسلام (تاریخ و مفهوم اجتماعی آن)*. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: مولی.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه: علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (۲۰۰۱).
- گلیجانی مقدم، نسرین. (۱۳۸۶). *تاریخ‌شناسی معماری ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لوتی، پیر. (۱۳۷۱). *سفرنامه به‌سوی اصفهان*. ترجمه: بدرالدین کتابی. تهران: اقبال. (۱۹۲۷).
- مستوفی، عبدا... (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. جلد اول. تهران: هرمس.
- معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۱). *نحو فضای معماری*. صفا، ۱۲(۳۵)، ۷۵-۸۳.
- معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۵). *معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی برون‌گرا*. تهران: سروش دانش.
- معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). *معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی درون‌گرا*. تهران: سروش دانش.
- مهجور، فیروز. (۱۳۷۳). *مسکن بهینه، سمینار سیاست‌های توسعه مسکن*. تهران: دانشگاه تهران.
- ندیمی، هادی. (۱۳۸۶). *کلک دوست: ده مقاله در هنر و معماری*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نجمی، ناصر. (۱۳۷۵). *دارالخلافه تهران در یک‌صد سال پیش*. تهران: ارغوان.
- نوایی، کامبیز و حاجی‌قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۰). *خشت و خیال: شرح معماری اسلامی ایران*. تهران: سروش.

- نیازی مطلق جونقانی، نازنین و اکبری، حسن. (۱۳۹۸). *بازشناسی ویژگی‌های کالبدی و عناصر طبیعی حیات‌های مرکزی در خانه‌های تاریخی شهر اصفهان*. معماری اقلیم گرم و خشک. ۷(۹)، ۱۰۰-۸۳.
- ویشارد، جان. (۱۳۹۹). *بیست سال در ایران*. ترجمه: علی پیرنیا. تهران: پل فیروزه. (۱۹۰۸).
- ویلبر، دونالد نیوتن. (۱۳۹۰). *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*. ترجمه: مهین دخت صبا. تهران: علمی و فرهنگی. (۱۹۶۲).
- ویلز، چارلز جیمز. (۱۳۸۹). *ایران در یک قرن پیش (سفرنامه دکتر ویلز)*. ترجمه: غلام‌حسین قراگوزلو. تهران: اقبال. (۱۸۹۱).
- یزدی، ابراهیم. (۱۳۹۸). *شصت سال صبوری و شکوری (خاطرات دکتر ابراهیم یزدی)*. تهران: کویر.
- URL1: شمال‌نیوز. (۱۳۹۴). *عزاداری محرم در عصر قاجار*. بازیابی شده ۳ تیر ۱۳۹۹ از <http://www.shomalnews.com/>
- URL2: غول‌آباد؛ دانش‌نامه مردمی یزد. (۱۳۹۷). *مجموعه صدرالعلماء*. بازیابی شده ۲۷ خرداد ۱۳۹۹ از <http://ghoolabad.com/>
- URL3: کافه‌تاریخ. (۱۳۹۹). *مراسم عروسی یک خانواده اعیانی در دوره قاجار*. بازیابی شده ۲۷ خرداد ۱۳۹۹ از <https://www.cafetarikh.com/>
- Hillier, Bill. (2007). *Space is the Machine, A configurational theory of architecture Space Syntax*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hisham, Mortada. (2011). *Traditional Islamic principles of built environment*. New York.